

A jurisprudential study of historical reports on the equal division of the treasury in the Alawi government*

Mehdi Khatibi  / Associate Professor of Economics, Imam Khomeini Education and Research Institute
m.khatibi@iki.ac.ir

Received: 2025/11/26 - Accepted: 2026/05/04

Abstract

The equal division of the treasury by Imam Ali is one of the definitive reports in the history of early Islam. Despite the certainty of the original report, no report has been cited about its details and which of the revenues of the treasury were divided equally. What exacerbates the ambiguity is the lack of reference to the necessity of equal division of the treasury in jurisprudential books. Therefore, the present study, relying on historical reports and outlining the jurisprudential foundations of the issue and using the ijthihad method, seeks to answer the question of which sources of the treasury were divided equally among Muslims by the Imam. The results of the research show that, considering the multiplicity of sources of the treasury and the determination of the place of consumption for some of them, Hazrat only divided some of the revenues of the treasury, in which everyone had an equal share, equally, and this approach did not include that part of the treasury that had a specific place of consumption.

Keywords: treasury, equal division of the treasury, Imam Ali, Alawi government, economic jurisprudence, Islamic economics.

JEL classification: H6, D63, P4.

* This paper was presented at the international conference "Islamic Humanities: In Commemoration of Allamah Mohammad Taqi Mesbah Yazdi".

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی فقهی گزارش‌های تاریخی تقسیم مساوی بیت‌المال در حکومت علوی*

m.khatibi@iki.ac.ir

مهدی خطیبی  / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴

چکیده

تقسیم مساوی بیت‌المال توسط امیرالمؤمنین * جزء گزارش‌های قطعی در تاریخ صدر اسلام است. به‌رغم قطعیت اصل گزارش، از جزئیات آن و اینکه کدامیک از درآمدهای بیت‌المال را به مساوات تقسیم می‌کردند، گزارشی نقل نشده است. آنچه که محل ابهام را تشدید می‌کند، عدم اشاره به لزوم تقسیم مساوی بیت‌المال در کتب فقهی است. بدین جهت پژوهش حاضر با تکیه بر گزارش‌های تاریخی و طرح مبانی فقهی مسئله و به روش اجتهادی درصدد پاسخ به این پرسش است که حضرت * کدامیک از منابع بیت‌المال را به مساوات در بین مسلمانان تقسیم می‌کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با توجه به تعدد منابع بیت‌المال و تعیین محل مصرف برای برخی از آنها، حضرت * صرفاً برخی از درآمدهای بیت‌المال را که همه در آن به‌صورت مساوی سهم داشتند به مساوات تقسیم می‌کرد و این رویکرد شامل آن بخش از بیت‌المال که محل مصرف مشخص داشت، نمی‌شد.

کلیدواژه‌ها: بیت‌المال، تقسیم مساوی بیت‌المال، حضرت علی *، حکومت علوی *، فقه اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: H63, D63, P4

* این مقاله در همایش بین‌المللی «علوم انسانی اسلامی بزرگداشت علامه محمدتقی مصباح یزدی *» ارائه شده است.

مقدمه

یکی از نقل‌های تاریخی متواتر تقسیم مساوی بیت‌المال توسط امیرالمؤمنین (ع) در بین مسلمانان است، البته از جزئیات آن و اینکه از تمامی بیت‌المال بوده یا بخشی از آن و این اتفاق چند بار افتاده اطلاعی در دست نیست. بررسی روایات در زمینه مصرف بیت‌المال نیز تقسیم بالسویه را فی‌الجمله تأیید می‌کند؛ اگرچه روایاتی نیز وجود دارد که حاکی از تقسیم غیرمساوی است. این نقل تاریخی به نوعی در افکار عمومی این پرسش را ایجاد می‌کند که در نظام جمهوری اسلامی ایران این سیره علوی (ع) تا چه حد مورد توجه قرار گرفته است، به‌ویژه آنکه برخی شبهه‌افکنان گاهی با تقسیم مبلغ بودجه دولتی بر جمعیت کشور سهم هر کس در بودجه کشور را که رقم نسبتاً بزرگی است محاسبه کرده و در فضای مجازی منتشر می‌کنند و به نوعی فضا را غبارآلود می‌کنند.

در تحقیق حاضر نویسنده بر آن است که با بررسی نقل‌های تاریخی و روایی و بررسی فقهی مبانی فقهی منابع و مصارف بیت‌المال، به این سؤال پاسخ دهد که امیرالمؤمنین (ع) کدام‌یک از درآمدهای بیت‌المال را به مساوی تقسیم می‌کرده است و اگر دولت اسلامی بخواهد در زمان حاضر دلالت‌های این سیره را در تخصیص بودجه لحاظ کند، چه تغییراتی در نظام بودجه‌ریزی باید بدهد.

پیشینه تحقیق

حاجی‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله «تقسیم مساوی بیت‌المال در سیره امام علی (ع) و واکاوی علل آن»، به این پرسش پاسخ داده است که چرا امام علی (ع) سوابق ایمانی و جهادی افراد در تقسیم بیت‌المال را لحاظ نمی‌کرده است؟ وی با بررسی موارد مصرف بیت‌المال نتیجه گرفته است، بخشی از بیت‌المال به‌صورت مساوی تقسیم می‌شده و بخش عمده آن در امور دیگری همچون رسیدگی به افشار نیازمند، از کارافتادگان، مجاهدان مسلمان، هزینه‌های جنگ، پرداخت حقوق و دستمزد مأموران دولتی مصرف می‌شده است. در بخش دیگر که بین مسلمانان بالسویه تقسیم می‌شده، ضمن توجه به ارزش و جایگاه افراد، با استناد به قرآن و سیره رسول خدا (ص) چنین می‌کرده است.

گراوند و خالیدی سردشتی (۱۳۹۷) در مقاله «سیره امام علی (ع) در تقسیم بیت‌المال»، ضمن بیان سیره حضرت (ع) در تقسیم بیت‌المال، به آسیب‌شناسی شیوه‌های تقسیم بیت‌المال پیش از امام علی (ع) پرداخته و آنها را سبب بروز فتنه‌های جمل، قاعدین و صفین در دوره امام علی (ع) دانسته است.

منتظری مقدم (۱۳۸۹) در مقاله «شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام»، با استفاده از روش تاریخی به بررسی روش‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام پرداخته و سه شیوه را مورد اشاره قرار داده است: شیوه نخست، تقسیم فوری و بالسویه (در زمان رسول خدا (ص)، خلیفه اول و حضرت علی (ع))؛ شیوه دوم، تقسیم سالانه و تفضیلی (زمان خلیفه دوم)، انباشت بیت‌المال و هزینه‌کرد دلبخواهی (اکثر زمامداران پسین دنیای اسلام).

بذریچ و عزیزاللهی (۱۴۰۱) در مقاله «واکاوی مبانی تقسیم مساوی بیت‌المال با تکیه بر قاعده عدل و انصاف»، به ادله لزوم رعایت مساوات در تقسیم امکانات پرداخته‌اند و علاوه بر آیات قرآن، روایات خاصه و سیره معصومان علیهم‌السلام، به قاعده عدل و انصاف تمسک کرده است.

خلیلیان و جوشقانی نائینی (۱۳۹۷) در مقاله «الگوی پیشنهادی تدوین بودجه در دولت اسلامی»، علاوه بر بررسی منابع درآمدی، به رفع تبعیض و فاصله طبقاتی، ایجاد فرصت‌های شغلی و امنیت جامعه به‌عنوان محورهای هزینه‌کرد اشاره کرده‌اند.

خلیلیان و آزادی (۱۳۹۲) در مقاله «منابع مالی و معیارهای تخصیص بودجه در دولت اسلامی»، به معیارهای نیاز، کار، مصلحت، کارایی و عدالت اشاره کرده‌اند. نویسندگان معتقدند تخصیص هریک از بودجه‌های جاری و عمرانی تابع معیارهای خاص خود است و اولی در بیشتر موارد بر پایه کار و نیاز، و دومی بر پایه نیاز، کارایی و مصلحت خواهد بود. عدالت هم بسان چتری بر همه اقسام توزیع بیت‌المال و تخصیص بودجه سایه افکنده و شرط اصلی تخصیص بهینه آن است. در صورت تراجم معیارها، عدالت بر کارایی و مصالح اجتماعی بر مصالح فردی تقدم دارد.

۱. چستی بیت‌المال

بیت‌المال، اصطلاحی فقهی و نام یکی از نهادهای دولت اسلامی است. این واژه در لغت به مکان حفاظت از اموال، اعم از عمومی و خصوصی اطلاق می‌شود، اما در اصطلاح، تعبیر «بیت‌مال المسلمین» در صدر اسلام برای مکانی که در آن اموال عمومی و منقول دولت اسلامی به کار می‌رفت؛ سپس تعبیر «بیت‌المال» جانشین آن شد و همان معنی را افاده کرد؛ سپس به تدریج معنایی توسعه پیدا کرد و بر «اموال عمومی مسلمانان» نیز اطلاق شد که مشتمل بر وجه نقد، اشیای منقول، اراضی و غیر اینها بود (رحمان ستایش، ۱۳۹۳، ج ۵، واژه بیت‌المال).

ویژگی اصلی بیت‌المال تسلط ولی امر بر آن است. منابع بیت‌المال ابتدا باید به دست حاکم اسلامی برسد و سپس توسط وی تخصیص داده شود؛ بنابراین در منابعی که توسط مکلفان تأمین می‌شود، تا به دست حاکم اسلامی نرسد، مؤدی بری‌الذمه نمی‌شود؛ از این رو انفاق‌های مستحبی و کفارات که مستقیم توسط مؤدی به فقیر پرداخت می‌شود و نیازمند اذن گرفتن از حاکم اسلامی نیست، جزء منابع بیت‌المال محسوب نمی‌شوند؛ اگرچه کارکردی شبیه کارکرد منابع بیت‌المال دارند و برای رفع فقر و تأمین مالی فقرا تعبیه شده‌اند.

بیت‌المال تا حدودی معادل اصطلاح خزانه‌داری در زبان فارسی است. ایرانیان از زمان هخامنشیان برای دریافت مالیات و امور مالی کشور دفاتر و سازمان‌های منظم و مرتبی دایر کردند. در زمان ساسانیان این گونه دفاتر و سازمان‌ها کامل‌تر شد، اما پس فتح ایران توسط لشکر اسلام به جای خزانه‌داری کشور، واژه «بیت‌المال» در اسناد تاریخی جای گرفت و مالیات به صورت زکات، صدقات، جزیه و... دریافت می‌گردید. اما با استقرار دولت‌های ایرانی مجدداً وضعیت

دفترهای مالی کشور دارای نظم و ترتیب دیگری شد و سلسله پادشاهان ایران هر کدام به روش خاصی به امورات مربوط به درآمد و هزینه کشور پرداختند (وزارت امور اقتصادی و دارایی: <https://www.mefa.ir/news/733121>).

۱-۱. منابع بیت‌المال

در اسلام برای بیت‌المال منابعی تعیین شده است. این منابع عبارت‌اند از:

۱-۱-۱. انفال

انفال در لغت جمع نفل بر وضع غسل به معنی عطا و اعطاست، و اینکه نماز مستحبی را نافله نامیده‌اند به خاطر آن است که عطیه‌ای در راستای اطاعت است که واجب نیست (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۵). برخی نیز آن را به معنای غنیمت دانسته‌اند (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۱۹). گویا این برخی که نفل را به معنای زیاده گرفته‌اند، منظورشان لازمه معنا باشد، نه اصل معنا؛ مثلاً در مصباح‌المنیر بعد از آنکه نفل را به معنی غنیمت ترجمه کرده است در بیان معنای نافله گفته است: «مِنْهُ النَّافِلَةُ فِي الصَّلَاةِ وَ غَيْرِهَا لِأَنَّهَا زِيَادَةٌ عَلَى الْفَرِيضَةِ» (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۱۹).

صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی انفال می‌گوید: «هی‌هنا ما يستحقه الامام علیه السلام من الأموال على جهة الخصوص كما كان للنبي صلی الله علیه و آله سميت بذلك لأنها هبة من الله تعالى له زيادة على ما جعله له من الشركة في الخمس، إكراماً له وتفضيلاً له بذلك على غيره» (نجفی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۱۶).

انفال مصادیقی دارد که در کتب فقهی به این قرار شمرده شده است: ۱. زمین‌هایی که بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآمده است که به آن فیه نیز گفته می‌شود؛ ۲. زمین‌های موات؛ ۳. سواحل دریاها، قلعه کوه‌ها، دره‌ها و جنگل‌ها؛ ۴. دارایی پادشاهانی که سرزمین آنها فتح شده و برگزیده غنائم؛ ۵. غنیمت‌های به‌دست‌آمده در جنگی که بدون اذن امام علیه السلام بوده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۶). برخی نیز مصادیق دیگری بدان افزوده‌اند، از جمله ارث کسی که وارث ندارد، معادنی که به تبع زمین یا با احیا ملک کسی نشده است (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۹)، البته انفال بودن برخی از این موارد مثل معادن محل اختلاف است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۹۷).

۲-۱-۱. زکات

زکات اسم مصدر بوده و در کتب لغت به معنای پاک‌ی و یا نمو آمده است، اما در اصطلاح به دو نوع پرداختی واجب اطلاق می‌شود: اول، زکات اموال که عبارت است از بخشی از درآمد صاحبان اموال خاص که باید یک بار و یا به‌صورت سالیانه (در صورت وجود نصاب در سال‌های بعد) به حاکم اسلامی پرداخت شود و یا با اذن وی به مصارف تعیین‌شده تخصیص یابد؛ دوم، زکات فطره که بر هر فردی که فقیر نباشد واجب است سهم خود و عائله خویش را از آن بپردازد. بنابراین زکات اموال از نوع مالیات بر درآمد و زکات فطره از نوع مالیات سرانه است.

موارد زکات اموال عبارت‌اند از: گندم، جو، خرما، کشمش (غلات اربعه)، گاو، گوسفند، شتر (انعام ثلاثه)، درهم و دینار (نقدین).

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد ویژگی اصلی منابع بیت‌المال آن است که تحت سلطه حاکم اسلامی قرار می‌گیرند و زکات این ویژگی را دارد. یکی از محققان معاصر در این باره می‌نویسد:

اعلم أن الزكاة على ما يظهر من بيان مصارفها في الكتاب العزيز لم تكن تختص بالفقراء والمساكين فقط ولم تكن تحت اختيار الأشخاص يضعونها حيث شاءوا، بل شرعت لسد جميع الخلّات التي تحدث في المجتمع، وبقرينة ذكر العاملين عليها والمؤلفة قلوبهم في عداد مصارفها يظهر أنها ميزانية إسلامية تقع تحت اختيار الحكومة الإسلامية، ويكون الحاكم هو الذي يتصدى لأخذها وصرفها في مصارفها، ويشهد لذلك أيضا قوله تعالى «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه: ۱۰۳)، حيث إن النبي ﷺ بما أنه كان حاكما على المسلمين أمر بأخذها، وهكذا كان عمله وعليه استقرت سيرته وسيرة الخلفاء من بعده فكانوا يبعثون العمال والجبّاة ويطالبونها (منتظري، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۲).

البته طبق فتاوی بسیاری از فقها در عصر غیبت این اجازه به‌صورت عام داده شده که مؤدی زکات اموال و زکات فطره را بپردازد و لازم نیست به حاکم شرع تحویل دهد یا اجازه خاص بگیرد (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۳۸ و ۲۲۶).

۳-۱-۱. خمس

خمس در لغت به معنای یک پنجم است و در اصطلاح عبارت است از اعطای یک پنجم از برخی اموال و درآمدها جهت مصارف خاص.

اموال متعلق خمس عبارت‌اند از: منفعت کسب، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهری که به‌واسطه فرو رفتن در دریا به‌دست آید، غنیمت جنگ، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۲). مصارف خمس نیز شش مورد است: سهم خدا، سهم پیامبر ﷺ و سهم امام ﷺ هر سه به امام اختصاص دارد، سه سهم نیز به ایتام و مساکین و در راه ماندگان بنی‌هاشم اختصاص می‌یابد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۵).

۴-۱-۱. جزیه

جزیه از ماده جزى به معنای «قیام الشیء مقام غیره ومکافاته اياه» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۵۵)، و در اصطلاح عبارت است از مالیاتی که از اهل ذمه گرفته می‌شود. راغب در وجه تسمیه این مالیات می‌گوید: «تسميتها بذلك للاجترأ بها عن حقن دهم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۵). مستند این نوع مالیات، آیه ۲۹ سوره توبه است که می‌فرماید: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ».

این مالیات به‌صورت سرانه از مردان اهل کتاب که پیمان دمه را امضا کرده‌اند گرفته می‌شود و زنان، کودکان و مجانیان از آن معاف هستند. جزیه درحقیقت هزینه‌ای است که آنها بابت محافظت از جان و مالشان پرداخت می‌کنند (کلانتری ارسنجانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۱).

اگرچه برخی فلسفه وضع چنین مالیاتی را تأمین منابع مالی پایدار برای حکومت اسلامی دانسته‌اند (حقانی زنجانی، ۱۳۶۹، ص ۲۱)، اما به نظر می‌رسد این حکم بیشتر درصدد آن است که هزینه‌های عدم ایمان را برای غیرمسلمانان بالا ببرد تا با هزینه - فایده به سمت ایمان ظاهری هدایت شوند و به‌تدریج بساط کفر و شرک ظاهری جمع شود. شیخ مفید تلویحاً به این مسئله اشاره می‌کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۶۹). اختصاص سهمی از زکات اموال به کفار برای تألیف قلوب (وَالْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ) در راستای همین سیاست و از باب تشویق به ایمان ارزیابی می‌شود.

۵-۱-۱. خراج و مقاسمه

به اراضی آبادی که در اثر درگیری لشکر اسلام با کفار فتح می‌شود، اراضی مفتوحة العنوه گفته می‌شود، اعم از اینکه مزرعه باشد یا باغ یا بنا و ساختمان. اگر زمین مزبور هنگام فتح آباد نباشد یا آبادانی آن طبیعی باشد، مانند جنگل‌ها، از انفال به‌شمار می‌رود و ملک امام علیه السلام است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۹)، اما اگر هنگام فتح آباد باشد و آبادانی آن به‌دست انسان باشد و جنگ نیز با اذن امام علیه السلام صورت گیرد، از آن همه مسلمانان تا روز قیامت خواهد بود. مدیریت این زمین‌ها در اختیار امام علیه السلام است و آن را به‌صورت انتفاعی در اختیار دیگران قرار می‌دهد. مال الاجاره‌ای که حاکم اسلامی در قبال واگذار کردن این قسم از اراضی مفتوحة العنوه وصول می‌کند، خراج نام دارد و اگر زمین مزبور به‌صورت نسبتی از محصول در اختیار متقاضی قرار گیرد، بدان مقاسمه می‌گویند (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۸).

۶-۱-۱. مالیات‌های حکومتی

مالیات‌هایی وجود دارد که محدودیت یا زمان مشخصی ندارند، بلکه به صلاحدید حاکم اسلامی واگذار شده‌اند که در صورت نیاز، برای عمران و آبادی کشور، یا جهاد در راه خدا، یا تأمین معاش فقرا، یا سایر مواردی که برای رفاه مردم و کشور لازم است، آنها را وضع می‌کند. قرآن کریم پیامبر صلی الله علیه و آله و نماینده مشروع حکومت را این‌گونه توصیف می‌کند: «الَّذِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ». طبق این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشین وی بر اموال مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و طبق مصلحت در آن تصرف می‌کند. جواز وضع مالیات‌های حکومتی می‌تواند بر همین آیه مستند باشد (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۹). محمدبن مسلم و زرارة بن اعین از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمودند: «امیرالمؤمنین علیه السلام بر اسب‌های اصیل چراکننده، هر سال دو دینار برای هر اسب و یک دینار برای هر استر وضع کرد». این متون و متون مشابه نشان می‌دهند که نوعی از مالیات وجود دارد که حد و مرز مشخصی ندارد، بلکه به صلاحدید حاکم واگذار شده است (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۰).

۱-۲. مصارف بیت‌المال

برخی از ورودی‌های بیت‌المال محل مصرف معین و مشخص دارند، و برخی بدون داشتن محل مصرف خاص، تحت اختیار امام جامعه قرار می‌گیرد تا در هر جایی که صلاح می‌داند مصرف کند. برای حفظ انسجام مباحث مصارف بیت‌المال بر اساس دسته‌بندی منابع ارائه می‌شود.

مصارف زکات: در قرآن کریم برای زکات هشت محل مصرف شمرده شده است (توبه: ۶۰). این مصارف عبارت‌اند از: فقرا، مساکین، عاملین زکات، تألیف قلوب غیرمسلمانان، آزاد کردن برده‌ها، بدهکاران، در راه خدا و در راه ماندگان.

همچنین در خمس، فقرای سادات چه یتیم و چه غیریتیم و در راه ماندگان‌شان محل مصرف بخشی از خمس هستند، اما سهم امام علیه السلام محل مصرف خاص ندارد و هرگونه که صلاح بداند مصرف می‌کند.

در مورد محل مصرف جزیه دیدگاه‌های مختلفی نقل شده است: برخی معتقدند جزیه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط به مجاهدان داده می‌شده است (ابن‌زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۱)، لذا آن را ملحق به غنیمت دانسته و معتقدند باید بین مجاهدان تقسیم می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۳۱۰)؛ برخی دیگر فقرا را در آن سهم دانسته‌اند (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۶)، اما به نظر می‌رسد جزیه محل مصرف معین ندارد و به‌طور کامل در اختیار امام جامعه قرار می‌گیرد تا در هر موردی که صلاح بداند مصرف کند (حاجی‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۵۶). شیخ مفید می‌گوید: «کانت الجزية على عهد رسول الله صلی الله علیه و آله عطاء المهاجرين وهی من بعده لمن قام مع الإمام مقام المهاجرين وفيما يراه الإمام من مصالح المسلمين» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۴). این تعبیر حاکی از آن است که عطای جزیه به مهاجرین در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به اقتضای مصلحت بوده است، نه آنکه مهاجرین محل مصرف باشند.

خراج و مقاسمه نیز متعلق به همه مسلمانان است و باید به آنها تخصیص داده شود. بسیاری از فقها بدون آنکه محل مصرف مشخصی برای آن ذکر کنند، تصریح کرده‌اند خراج و مقاسمه در مصالح مسلمین مصرف می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۵۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۱۴۵؛ کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ص ۴۱۴؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۹۶).

انفال و مالیات‌های حکومتی هم مصرف معینی ندارند و دست امام علیه السلام در استفاده از آن برای اداره جامعه و تمشیت امور باز است.

۲. سیره علوی علیه السلام در تقسیم بیت‌المال و مبانی آن

طبق گزارش‌های تاریخی امیرالمؤمنین علیه السلام بیت‌المال را به‌طور مساوی بین مسلمانان تقسیم می‌کرد و هیچ‌گاه کسی را بر دیگری ترجیح نمی‌داد، حتی برخی از بستگان حضرت سهم بیشتری از بیت‌المال می‌خواستند با امتناع شدید حضرت مواجه شده و به خواسته خود نائل نشدند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵، ص ۲۶۴). همچنین وقتی امهانی، خواهر

امام علی^{علیه السلام} به خاطر سهم برابر وی و کنیزش که عجم بود به امام^{علیه السلام} اعتراض کرد، حضرت^{علیه السلام} در پاسخ وی فرمود که در قرآن برتری عرب بر عجم را ندیده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۱).

از منظر امام علی^{علیه السلام} مسلمانان در یک رتبه و درجه قرار داشتند. برای آن حضرت^{علیه السلام} رنگ، نژاد، قبیله و دیگر تفاوت‌ها در استحقاق بیت‌المال تفاوت نداشت. از نگاه حضرت^{علیه السلام} اموال اضافه بیت‌المال که مصرف خاصی نداشت باید به‌طور مساوی در میان مسلمانان تقسیم شود. امام^{علیه السلام} در یکی از خطبه‌های خویش که پس از اعتراضات برخی به نحوه تقسیم بیت‌المال ایراد شده است، بر این امر اصرار دارد که هر کس به قبله ما مسلمانان رو می‌کند و قربانی ما مسلمانان را می‌خورد و بر توحید و نبوت شهادت می‌دهد، احکام قرآن و بهره‌های اسلام در مورد او اجرا می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴). این رویکرد نشان می‌دهد از منظر ایشان کسی که دین اسلام را می‌پذیرفت و اصطلاحاً مسلمان می‌شد، از هر نژادی که بود و هر جایگاه اجتماعی که داشت، وظیفه حاکم اسلامی است که او را همانند سایر مسلمانان بداند، احکام قرآن را در مورد او اجرا کند و بهره او از اموال مسلمانان را همانند دیگران قرار دهد. حضرت^{علیه السلام} به عمار بن یاسر و ابوالهثم بن تبهان به‌عنوان عاملان خویش بر بیت‌المال مدینه دستور داد برابری تمامی تیره‌های عرب و غیرعرب را که اسلام پذیرفته‌اند رعایت کنند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۲).

آن حضرت^{علیه السلام} در یکی از خطبه‌ها ضمن اشاره به این امر که همگی شما بندگان مسلمان هستید، از تقسیم مساوی مال در میان آنان سخن گفت و برتری در زمینه تقوا را موجب اجر و ثواب بیشتر در نزد خداوند دانست، نه سهم بیشتر از بیت‌المال (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۱ق، ص ۹۱؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۱). در خطبه دیگری آن حضرت^{علیه السلام} می‌فرماید: «حضرت آدم^{علیه السلام} کنیز و برده به دنیا نیاورده و همگی آزاد آفریده شده‌اند. از تقسیم مساوی اموالی که در نزدش بود خبر داد و اشاره کرد که این اموال را بین سیاه و سرخ به‌طور مساوی تقسیم خواهیم کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۶۹).

واکاوی منش حکومتی امیرالمؤمنین^{علیه السلام} حاکی از پابندی کامل آن حضرت^{علیه السلام} به قرآن کریم و سیره رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} است؛ به گونه‌ای که به هیچ‌وجه حاضر نبود برخلاف آن دو یا به روش دیگران عمل کند، و اساساً به همین خاطر بعد از مرگ خلیفه دوم شورای خلافت از انتخاب حضرت^{علیه السلام} منصرف شد (حلبی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵۱). آن حضرت^{علیه السلام} فردای روز بیعت در یکی از سخنرانی‌های خویش بر این نکته اشاره داشت که من شما را به راه روشن پیامبران خواهیم برد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۶).

مستند امیرالمؤمنین^{علیه السلام} در تقسیم مساوی بیت‌المال، استناد به قرآن کریم و سیره رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} بوده است (اسکافی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۱۲؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴). به‌عنوان نمونه وقتی امام علی^{علیه السلام} با مخالفت عده‌ای با شیوه تقسیم بالسویه مواجه شد، فرمود: «این کتاب خدا بین ما و شماست و پیامبری که سیره او مشخص است» (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۱ق، ص ۹۴). در جای دیگری نیز امام علی^{علیه السلام} در خطبه‌ای مفصل، ضمن تأکید بر تساوی همگان در بهره‌مندی از دارایی بیت‌المال، تقسیم به تساوی را به خدا نسبت می‌دهد و می‌گوید: «این مال، مال خداست و شما هم

بندگان مسلمان خداوند هستيد و اين كتاب خداست كه به آن اعتراف كرده‌ايم و بر آن گواهييم و به آن تسليم شده‌ايم» و سپس سيرة رسول خدا ﷺ را در اين باره يادآور شد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴).

آن حضرت ﷺ در پاسخ به اعتراضات طلحه و زبير نيز به قرآن كريم و سيرة رسول خدا ﷺ استناد داشت. وقتی حضرت ﷺ متوجه شد آنان به اين امر اعتراض دارند كه چرا حضرت علي ﷺ برخلاف خليفه دوم بيت‌المال را تقسيم می‌كند و بهره آنان را كم كرده است؛ درحالی‌كه آنان در جنگ و جهاد زحمات زيادی كشيده‌اند، به قرآن كريم و سيرة پيامبر اكرم ﷺ استناد كرد و فرمود: «تقسيم بالسويه بيت‌المال امری است كه من درباره آن حكم نكرده‌ام، من و شما قرآنی كه پيامبر آورده را می‌بينيم، اما اينكه می‌گويد سابقه جهادی ما را در نظر نمی‌گيري، سيرة پيامبر نيز همين گونه بود» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۳۲). اينكه امام علي ﷺ صراحتاً فرموده تقسيم مساوی بيت‌المال امری نيست كه من درباره آن تصميم گرفته باشم و دستور قرآن كريم و به تبع آن سيرة پيامبر ﷺ بوده، اين احتمال را تقويت می‌كند كه اين حكم، حكمی حكومتی نبوده كه اختيار آن در دست امام علي ﷺ باشد، بلكه دستوری قرآنی و حكمی شرعی است كه امكان تخلف نسبت به آن وجود ندارد.

بر اساس نقلی امام علي ﷺ در پاسخ به اعتراض‌های طلحه و زبير، از آن دو پرسيد: «پيروي از سيرة پيامبر ﷺ بهتر است يا پيروي از سيرة عمر؟» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱). بر اساس همين نقل وقتی آن دو از سابقه خویش در اسلام سخن گفتند، امام علي ﷺ ضمن اشاره به بيشتر بودن سابقه خویش از ايشان، سهم خویش و كارگری كه برايش كار می‌كرد را از بيت‌المال مساوی دانست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱). در نقل ديگری آن حضرت ﷺ به آنان فرمود: «اين اموال متعلق به بيت‌المال است و من امين مردم هستم، اگر می‌خواهيد به منبر بروم و آنچه از بيت‌المال می‌خواهيد از مردم درخواست كنم، اگر اجازه دادند به شما می‌دهم» (مفيد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۴).

در مواجهه‌ای ديگر وقتی آن حضرت ﷺ به هريك از مسلمانان سه دينار عطا كرد، يکی از انصار به آن حضرت ﷺ اعتراض داشت كه چرا وی را با غلامش كه به تازگی او را آزاد كرده مساوی دانسته است؟ حضرت ﷺ در جواب وی به قرآن كريم استناد كرد و فرمود: «من در اين كتاب برتری‌ای برای فرزندان اسماعيل بر فرزندان اسحاق نيفتم» (كليني، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۶۹). در نقل ديگر آن حضرت ﷺ درحالی‌كه چوبي در دست داشت فرمود: «قرآن را خواندم و برای فرزندان اسماعيل بر فرزندان اسحاق برتری‌ای حتی به اندازه اين چوب پيدا نكردم» (يعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۳). در يك مورد هم وقتی دو زن فقير، يکی عرب و ديگری عجم از امام علي ﷺ درخواست كمك كردند، حضرت ﷺ ضمن اشاره به وظيفه حاكميت در تأمين خواسته‌های آنان، اموالی را به‌طور مساوی در اختيار آنان قرار داد و وقتی يك از آن دو زن خود را به جهت عرب بودن بر ديگری برتر شمرد و خواستار كمك بيشتر شد، امام علي ﷺ با استناد به قرآن كريم با خواسته وی مخالفت كرد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۴۱). امام علي ﷺ حتی بين خواهرش ام‌هانی و كنيز وی تفاوتی قائل نشد و در پاسخ به اعتراض خواهرش قرآن را مورد استناد قرار داد (مفيد، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۱). نقل‌های گوناگونی كه درباره

سیره امام علی علیه السلام در تقسیم بیت‌المال ذکر شد، نشان می‌دهد مستند اصلی امام علی علیه السلام در این مسیر توجه به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. امام علی علیه السلام به‌عنوان یکی از پایبندترین افراد به آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی صلی الله علیه و آله هرگز به خود اجازه نمی‌داد برخلاف قرآن و سیره عمل کند.

دقیقاً مشخص نیست که استناد امام علی علیه السلام در توجیه سیره خویش، به کدام یک از آیات قرآن کریم بوده است؛ چراکه آن حضرت علیه السلام بدون اشاره به آیه‌ای خاص، به‌طور کلی به قرآن کریم استناد کرده است. آنچه از سخنان حضرت علیه السلام برداشت می‌شود این است که مستند آن حضرت علیه السلام در این زمینه، آن دسته از آیات قرآن کریم است که به‌طور کلی انسان‌ها را از یک ریشه دانسته‌اند (نساء: ۱؛ انعام: ۹۸)، بر کرامت انسانی تأکید کرده‌اند (اسراء: ۷۰)، بر برابری همه انسان‌ها و رعایت عدالت در حق آنان تأکید کرده‌اند (سبا: ۳۶-۳۷) و ملاک برتری را در امور معنوی، تقوا و دین‌داری می‌دانند (حجرات: ۱۳) (حاجی‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۶۳).

۳. هزینه‌های حاکمیت در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام و تطبیق آن بر مصارف تعیین شده برای بیت‌المال

هزینه‌های حاکمیت در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام شامل تأمین مالی فقرا و مستمندان (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۴۱؛ نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ و ۶۷)، امور مربوط به جنگ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۲؛ نامه ۵۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۲)، یتیمان (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، پیران از کار افتاده (ابن‌ابی‌شبیبه، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۵۰۹)، رفع نیاز کارگزاران حکومتی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) همانند قضات (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ق، ج ۱، ص ۱۲۲) و امور دیگری چون تأمین نیازهای خانواده‌های شهدا، پرداخت بدهی‌های افراد عاجز از بازپرداخت، مخارج زندانیان و پرداخت دیه کسانی که قاتل یا جانی مشخص نداشتند بوده است (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۳-۴۲۷).

طبیعتاً بخشی از این هزینه‌ها قابل تطبیق بر مصارف تعیین شده برای بیت‌المال بوده است و به‌عبارت دیگر منبع تأمین مالی مشخص داشته است؛ مثلاً تأمین مالی فقرا و مستمندان و همچنین ایتام و پیران از کار افتاده و بدهی بدهکاران از محل زکات امکان‌پذیر بوده است، اما برخی دیگر مانند حقوق کارگزاران حکومتی محل تأمین خاص نداشته و باید از منابع تحت اختیار امام علیه السلام تأمین مالی می‌شدند.

اگر بعد از تأمین این قبیل هزینه‌ها مبلغی در بیت‌المال باقی بماند تصمیم‌گیری نسبت به مازاد و اینکه سرمایه‌گذاری شود یا ذخیره شود و یا بین همه یا عده‌ای تقسیم شود، با امام علیه السلام است، البته سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام ذخیره بیت‌المال نبوده است و به سرعت آن را تقسیم می‌کردند (منتظری مقدم، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱).

۴. بررسی فقهی لزوم تقسیم مساوی بیت‌المال

با توجه به آنچه که در مباحث پیشین گفته شد، روشن می‌شود که تقسیم مساوی بیت‌المال نمی‌تواند نسبت به برخی از منابع آن که محل مصرف مشخص دارند و دریافت‌کنندگان قبل از تخصیص مالک چیزی نیستند اجرا شود؛ مثلاً

در زکات فقیر و مسکین به اندازه نیازشان می‌توانند زکات دریافت کنند و بسیاری از فقها اجازه نداده‌اند فقیر و مسکین هزینه بیش از یک سال را دریافت کنند؛ بنابراین برای این دسته تقسیم مساوی بیت‌المال معنا ندارد. همچنین به تصریح فقها تقسیم زکات بین سهام هشت‌گانه و همچنین تقسیم هر سهم بین افراد آن سهم واجب نیست و سیره پیامبر ﷺ نیز این نبوده است (کلبینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۲). به عبارت دیگر، تقسیم مساوی زکات بین اصناف هشت‌گانه و حتی بین افراد هر صنف اگرچه ممکن است، اما واجب نیست. در عروة الوثقی آمده است: «لا يجب البسط على الأصناف الثمانية، بل يجوز التخصيص ببعضها، كما لا يجب في كل صنف البسط على أفرادها إن تعددت، ولا مراعاة أقل الجمع الذي هو الثلاثة، بل يجوز تخصيصها بشخص واحد من صنف واحد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۳۹).

خراج و مقاسمه کمی متفاوت است. از آنجاکه همه مسلمانان مالک اراضی مفتوحة العنوه هستند، بنابراین به محض حصول درآمد آن همگی به‌طور مساوی مالک درآمد هستند و به تبع آن لزوم تقسیم مساوی بیت‌المال در این بخش از بیت‌المال منطقی به نظر می‌رسد، اما جالب آن است که هیچ‌یک از فقها از تقسیم مساوی درآمد اراضی خراجیه بین مسلمانان سخن نگفته‌اند، بلکه همگی از اختیار حاکم در مصرف آن برای مصالحی که تشخیص می‌دهد سخن گفته‌اند. شیخ طوسی در مورد تأمین مالی ابزار آلات مورد نیاز در جنگ می‌گوید:

ما احتاج إليه الكراع [اسب] وآلات الحرب كل ذلك من بيت المال من أموال المصالح، وكذلك رزق الحكام وولاية الأحداث والصلاة وغير ذلك من وجوه الولايات فإنهم يعطون من المصالح والمصالح تخرج من ارتفاع الأراضي المفتوحة عنوة ومن سهم سبيل الله على ما بيناه (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۷۵).

علامه حلی در تحریر شیهه همین عبارات را آورده و می‌گوید:

السابع: ما يحتاج الكراع وآلات الحرب إليه يؤخذ من بيت المال من أموال المصالح، وكذلك رزق الحكام والولاة، والمصالح يخرج من ارتفاع الأراضي المفتوحة عنوة ومن سهم سبيل الله، ومن جملة ذلك ما يلزمه فيما يخصه من الأنفال والفيء وهو جنایات من لا عقل له ودية من لا يعرف قاتله وغير ذلك مما نقول أنه يلزم من بيت المال (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۹۸).

وی در /ارشاد می‌گوید: «المفتوحة عنوة للمسلمين قاطبة، ويتولاها الامام، ولا يملكها المتصرف على الخصوص، ولا يصح بيعها ولا وقفها، وتصرف الامام حاصلها في مصالح المسلمين» (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۷). شهید ثانی به تبع شهید اول در /لمعه آورده است:

ويصرف الإمام ﷺ حاصل الأرض المفتوحة عنوة المحياة حال الفتح في مصالح المسلمين الغانمين وغيرهم كسد الثغور، ومعونة الغزاة، وأرزاق الولاة. هذا مع حضور الإمام، أما مع غيبته ف.... ما يمكن استقلال نائب الإمام به وهو الحاكم الشرعي فأمره إليه يصرفه في مصالح المسلمين كالأصل (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۵۳).

محقق اردبیلی در مجمع‌الفائده آورده است:

اعلم أنَّ الخراج والمقاسمة هما المقدار المعين من المال بمنزلة الأجرة في الأرض الخراجية - أي المعمورة المفتوحة عنوة بإذن النبي أو الإمام على المشهور - أو المأخوذة بالصلح، بأن تكون الأرض للمسلمين ولهم السكنى، وهي لمصالح المسلمين والأمر فيها إليهم صلوات الله عليهم (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۹۷).

بسیاری دیگر از فقها با همین تعابیر راجع به درآمد اراضی خراجیه سخن گفته‌اند و احادی به لزوم تقسیم مساوی آن اشاره نکرده است. این مسئله نشان می‌دهد تقسیم مساوی این بخش از بیت‌المال که بیشترین ظرفیت را برای تقسیم مساوی دارد، سیاست ثابت اسلام نیست.

در مورد سایر اقلام بیت‌المال نیز مسئله واضح‌تر است. سهم امام علیه السلام از خمس و همچنین انفال ملک حکومتی امام علیه السلام هستند. جزیه هم اگر گفته شود اختصاص به مجاهدان دارد، تقسیم آن مانند تقسیم غنیمت بین مجاهدان خواهد بود. در مورد غنیمت گفته شده است: «تقسم الغنيمة بين المقاتلة بالسوية لا يفضل بعضهم على بعض للشرف أو العلم أو الزهد إلا الفارس على الراجل، فان للفارس سهمين و للراجل سهمًا» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱۴).

اما اگر گفته شود جزیه محل مصرف خاص ندارد، و امام علیه السلام از آن برای تمشیت امور و اداره جامعه استفاده می‌کند، الزام به تقسیم مساوی آن بین مردم بدون دلیل است.

مالیات‌های حکومتی نیز اساساً بر حسب ضرورت و شرایط خاص دریافت می‌شود، در این باره گفته شده است:

هناك ضرائب ليس لها حد معين ولا زمان خاص، بل هي موكولة إلى نظر الحاكم الإسلامي يفترضها عند الحاجة، من عمران البلاد، أو جهاد في سبيل الله، أو سد عيلة الفقراء، أو غير ذلك، مما يحتاج إليه قوام العباد، والبلاد (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۹).

همان‌گونه که ایشان تصریح می‌کند دریافت مالیات‌های حکومتی متوقف بر نیاز است؛ بنابراین اگر حاکمیت نیازمند آن نباشد وضع مالیات نیز مشروع نخواهد بود، چه برسد به اینکه دریافت شود و به مساوات بین مردم تقسیم شود.

۵. تحلیل عملکرد امیرالمؤمنین علیه السلام در تقسیم مساوی بیت‌المال

مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد تقسیم بیت‌المال بین مسلمانان فارغ از تساوی یا تفاضل مسئله‌ای شایع بوده است. امیرالمؤمنین علیه السلام برای اقناع مخاطبان نسبت به عملکرد خود در تقسیم به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله استناد می‌کند؛ مثلاً وقتی طلحه و زبیر به نحوه تقسیم بیت‌المال توسط حضرت علی علیه السلام اعتراض کردند و خواهان امتیازاتی بودند که در دوره عمر داشتند، حضرت علیه السلام در پاسخ به آنها یادآوری کرد که روش او در تقسیم بیت‌المال مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و به‌صورت مساوی است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۳۲).

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله خلیفه اول چندان زنده نماند تا تصمیم خاصی در رابطه با غنائم بگیرد و لذا بر اساس سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله به تقسیم غنائم پرداخت (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۶)، اما خلیفه دوم به دلیل افزایش فراوان درآمدهای

دولت اسلامی به فکر تغییر در شیوه تقسیم بیت‌المال افتاد. در زمان وی نیروهای بسیاری برای جهاد به سمت ایران و روم راهی شدند و فتوحات زیادی صورت گرفت. وی به‌رغم آنکه ابتدا بیت‌المال را مساوی تقسیم می‌کرد، اما به‌تدریج روش خود را تغییر داد. ابتدا دیوانی تأسیس کرد و بر اساس خویشاوندی با رسول خدا ﷺ و سپس سابقه در اسلام یا عرب و موالی بودن، مسلمانان را به طبقات مختلف تقسیم کرد (بالذری، ۱۳۳۷، ص ۶۲۹).

در زمان خلیفه سوم این انحراف از سنت رسول خدا ﷺ شدت بیشتری گرفت و ذخیره‌سازی و صلّه رحم از بیت‌المال به آن افزوده شد. در سال ۳۴ هجری قمری وقتی اعتراضات نسبت به خلیفه به اوج خود رسید، وی با برخی از فرمانداران خود مشورت کرد. عبدالله بن ابی سرح به وی گفت اموال را از بیت‌المال بیرون بیاور و میان مردم تقسیم کن. این حکایت نشان می‌دهد خلیفه سیاست انباشت اموال در بیت‌المال را برخلاف سنت رسول خدا ﷺ در پیش گرفته بود؛ درحالی‌که رسول خدا ﷺ چیزی را انباشت نمی‌کرد (منتظری مقدم، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱). همچنین طبق گزارش‌های تاریخی خلیفه اموال بیت‌المال را هرطور که دوست داشت به اقوام و نزدیکانش می‌بخشید، حتی در نامه‌ای که مسلمانان معترض به وی نوشتند این موضوع را بیان کردند که چرا نزدیکان خود را به سرپرستی شهرها گماشته و یا خمس غنائم آفریقا را به مروان بن حکم داده است (دینوری، ۱۳۸۴، ص ۵۵).

این وضعیت تأثیرات منفی در جامعه اسلامی به‌جای گذاشته بود و به‌تدریج آثار آن در رفتار صحابه رسول خدا ﷺ نمایان می‌شد. طبق برخی از گزارش‌ها خلیفه دوم نیز فسادانگیز بودن امتیازات را در اواخر عمر خود فهمیده بود و لذا اعلام کرد در تقسیم بیت‌المال به دنبال الفت و دوستی یاران رسول خدا ﷺ بوده و اگر زنده باشد مانند رسول خدا ﷺ و ابوبکر همه را سهم مساوی خواهد داد (منتظری مقدم، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵؛ گراوند و خالدی، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

امیرالمؤمنین ع به شدت مخالف امتیازبندی انجام‌شده در عهد خلیفه دوم بود و آن را خلاف کتاب خدا و سیره نبوی ﷺ می‌دانست. به همین دلیل در همان روزهای اول سیاست مالی خود را به‌صراحت اعلام نمود و بیان داشت همه را در تقسیم بیت‌المال یکسان می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۶۹) و کسانی که در اسلام سبقت دارند پاداش خود را از خداوند خواهند گرفت (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۲۹).

غلبه بر فضای ایجادشده که نتیجه توزیع ناعادلانه بیت‌المال بود بسیار دشوار می‌نمود، حتی صحابه کبار رسول خدا ﷺ نیز تحمل تغییر رویه تثبیت‌شده را نداشتند. در گزارشی تاریخی از مواجهه امیرالمؤمنین ع با طلحه و زبیر بعد از خلافت و اعلام سیاست مساوات در تقسیم بیت‌المال آمده است:

حضرت به آن دو فرمود: چه چیزی باعث ناراحتی شما از من شده است؟ آنها گفتند به خاطر مخالفت تو با روش عمر بن خطاب و دیگر پیشوایان در امری، حق ما را مثل حق دیگران قرار دادی و بین ما و کسانی که به‌دست ما مسلمان شدند تساوی قرار دادی!!! حضرت فرمود: اینکه کسی در اسلام سابقه داشته باشد پاداشش با خداوند است (اسکافی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۱۴).

سهل بن حنیف وقتی دید حضرت ع به او و کسی که تا دیروز غلامش بوده و امروز آزاد شده بود سهم مساوی داد، اعتراض کرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۲). ام‌هانی، خواهر آن حضرت ع به خاطر سهم برابر وی و کنیز عجمش اعتراض

کرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۱). افراد سرشناسی همچون سعدبن ابی وقاص، اسامة بن زید، عبدالله بن عمرو و از انصار کسانی همچون زید بن ثابت، حساس بن ثابت، عثمان بن بشیر، کعب بن مالک نیز معترض تغییر رویه خلیفه سابق بودند و این اعتراض‌ها پیشبرد سیاست جدید را با دشواری همراه می‌کرد، اما حضرت ﷺ با تمام قوا در مقابل معترضان مقاومت کردند و سیاست تقسیم بالسویه را با قدرت دنبال کردند.

۶. بررسی اقالام تقسیم شده از بیت‌المال توسط امیرالمؤمنین ﷺ

همان گونه که اشاره شد، بیت‌المال مشتمل بر اقالام متعددی است که برخی مصرف خاص دارند و برخی مصرف عام. مالکیت اقالام مزبور نیز یکدست نیست. برخی ملک مسلمین و برخی ملک امام ﷺ است و برخی ملک کسی نیست و بعد از تخصیص ملک دریافت کننده می‌شود، مثل زکات.

با توجه به مقدمات فوق این سؤال پیش می‌آید که سیره امیرالمؤمنین ﷺ در تقسیم مساوی بیت‌المال آیا در همه اقالام بیت‌المال اجرا می‌شده یا بعضی از آنها؟ و آیا اساساً تقسیم مساوی بین عموم مردم در تمامی اقالام امکان پذیر است؟

پر واضح است که خراج و مقاسمه قطعی ترین بخش بیت‌المال است که می‌تواند به صورت مساوی در بین مسلمانان تقسیم شود؛ چه آنکه منبع آن دو اراضی مفتوحة العنوه است که ملک همه مسلمانان اعم از فقیر و غنی است و کسی در مالکیت اراضی مزبور و درآمد حاصل از آن سهمی بیشتر از دیگران ندارد.

زکات نیز قطعاً نمی‌تواند مصداق تقسیم بالسویه بین عموم افراد جامعه باشد؛ چراکه محل مصرف معین دارد و تقسیم آن بین عموم مردم جایز نیست، حتی به رغم فحص و بررسی، گزارشی دال بر تقسیم مساوی زکات توسط امیرالمؤمنین ﷺ بین فقرا و مساکین یا تقسیم مساوی آن بین اصناف هشت گانه مصرف زکات مشاهده نشد.

اما در مورد جزیه و همچنین سهم امام ﷺ از غنائم که رقم قابل توجهی بوده است، نفیاً و اثباتاً گزارشی در دست نیست. این بخش از بیت‌المال اگرچه ملک مسلمانان نیست و تخصیص آن به خدمات عمومی یا تقسیم آن بین عموم الزامی نیست، اما امام ﷺ می‌تواند در صورت وجود مصلحت آن را بین عموم تقسیم کند (مصباحی مقدم و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵) و احتمال اینکه حضرت ﷺ این بخش از بیت‌المال را هم بین مسلمانان بالسویه تقسیم می‌کرده چندان دور از ذهن نیست و با توجه به شرایط حاکم بر آن زمان توجیه پذیر است. توضیح آنکه حضرت ﷺ برای آنکه روش نامشروع تقسیم نامساوی بیت‌المال را ابطال کند، این موارد از بیت‌المال را نیز در بین مسلمانان بالسویه تقسیم می‌کرد تا بتواند مقبولیت روش مشروع را ارتقا بخشد. شواهدی نیز وجود دارد که می‌تواند این احتمال را تقویت کند: اول آنکه در گزارش‌های تاریخی تفکیکی بین اقسام منابع بیت‌المال در تقسیم بالسویه دیده نمی‌شود. در تمامی گزارش‌ها از عملکرد امیرالمؤمنین ﷺ کلمه بیت‌المال به کار برده شده است؛ شاهد دوم نامه‌ها و اوامر امیرالمؤمنین ﷺ در این باره است. حضرت بدون تفکیک بین مصادیق به صورت کلی به والیان خود در بلاد دیگر دستور

داده است بیت المال را بالسویه تقسیم کنند. در منابع کهن آمده است: «لَمَّا رَجَعَ الْأَمْرُ إِلَيْهِ أَمَرَ أَبَا الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيْهَانِ وَعَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِي رَافِعٍ فَقَالَ أَجْمَعُوا النَّاسَ ثُمَّ انْظُرُوا إِلَى مَا فِي بَيْتِ مَالِهِمْ فَأَقْسِمُوهُ بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ» (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸۶). مواردی مثل زکات که قطعاً نمی‌تواند منظور نظر باشد به دلیل قطعی و قرآنی خارج می‌شود و بقیه مصادیق مثل انفال و سهم امام (ع) از خمس ذیل اطلاق آن باقی می‌ماند.

بر این اساس می‌توان گفت گزارش‌های تاریخی مبنی بر تقسیم مساوی بیت‌المال توسط حضرت (ع) دقیق نبوده و شامل همه اقلام بیت‌المال نمی‌شده است و یا الاقل مجمل است و ناظر به تقسیم بخش‌های آن بوده است.

نتیجه‌گیری

نقل‌های تاریخی مشهور حاکی از آن است که حضرت علی (ع) بیت‌المال را میان مسلمانان به‌صورت برابر تقسیم می‌کرد؛ اگرچه جزئیات این تقسیم، تعداد دفعات آن و اینکه آیا شامل همه درآمدهای بیت‌المال بوده یا برخی اقسام آن، به‌طور دقیق روشن نیست. در پژوهش حاضر به واکاوی جزئیات آن پرداخته و دلالت‌های آن در بودجه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران به بحث گذاشته شد. ابتدا مفهوم «بیت‌المال» در فقه اسلامی توضیح داده شد. بیت‌المال نهادی است که اموال عمومی مسلمانان در اختیار ولیّ امر قرار می‌گیرد تا بر اساس مصلحت آنها را تخصیص دهد.

منابع بیت‌المال در فقه اسلامی به چند دسته تقسیم می‌شوند: انفال، زکات، خمس، جزیه، خراج و مقاسمه و مالیات‌های حکومتی. برخی درآمدها مانند زکات، مصرف تعیین‌شده دارند، اما بسیاری از منابع مثل انفال، خراج، سهم امام (ع) از خمس و مالیات‌های حکومتی مصرف خاصی ندارند و در اختیار حاکمان تا در هر زمینه‌ای که مصلحت جامعه اقتضا کند هزینه شوند. در پژوهش حاضر اثبات شد آنچه که توسط حضرت امیر (ع) به مساوات تقسیم می‌شده همه اقسام بیت‌المال نبوده است، بلکه بخشی از آن که امکان تقسیم عمومی داشته است را شامل می‌شده است. هدف حضرت (ع) از آن نیز مبارزه با بدعت ایجادشده توسط برخی از خلفا بوده است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

ابن ابی‌شیه، عبدالله بن محمد (۱۴۱۶ق). المصنف. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن‌ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۵ق). المقنع. قم: مؤسسه امام هادی.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌شهر آشوب، محمدعلی (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی‌طالب. قم: علامه.

ابن‌عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق). فضائل امیرالمؤمنین. قم: دلیل‌ما.

ابن‌فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). معجم مقانیس اللغة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۴). امامت و سیاست (تاریخ خلفا). ترجمه سیدناصر طباطبایی. بی‌جا: ققنوس.

اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارساد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اسکافی، ابوجعفر محمد بن عبدالله (۱۴۰۲ق). المعیار و الموازنه. بیروت: بی‌نا.

بذریچ، حمید و عزیزاللهی، حجت (۱۴۰۱). واکاوی مبانی تقسیم مساوی بیت‌المال با تکیه بر قاعده عدل و انصاف. فقه و حقوق نوین، ۹(۲)، ۱-۱۳.

بلادری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷ق). فتوح البلدان. ترجمه محمد توکل، بی‌جا: نقره.

بلادری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). انساب الأشراف. تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دار الفکر.

تقفی کوفی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۳ق). الغارات. تهران: انجمن آثار علمی.

حاجی‌زاده، یدالله (۱۳۹۸). تقسیم بیت‌المال در سیره امام علی. واکاوی علل آن. پژوهش‌های نهج البلاغه، ۱۸(۶۱)، ۵۳-۶۶.

حسینی، سیدرضا (۱۳۸۰). بیت‌المال، دانشنامه امام علی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

حقانی زنجانی، حسین (۱۳۶۹). فلسفه جزیه و خراج و اهمیت آنها. درس‌هایی از مکتب اسلامی، ۳۰(۱۱)، ۳۰-۳۵.

حلبی، ابوالصلاح تقی بن نجم (۱۴۰۴ق). تقریب المعارف. قم: الهادی.

خلیلیان، محمدجمال و آزادی، محمدهادی (۱۳۹۳). منابع مالی و معیارهای تخصیص بودجه در دولت اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۱(۳)، ۱۲۹-۱۴۹.

خلیلیان، محمدجمال و جو شقانی نائینی، سیدحمید (۱۳۹۷). الگوی پیدشهادی تدوین بودجه در دولت اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۷۱(۷۱)، ۹۹-۱۳۷.

خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیه.

رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۹۳). دانشنامه جهان اسلام. بی‌جا: بی‌نا.

سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق). الخمس فی الشریعة الاسلامیه الغراء. قم: مؤسسه امام صادق.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (ط - الحدیث). قم: کتابفروشی داوری.

طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل‌البیت.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۹ق.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). الاقتصاد الهادی الى طریق الرشاد. تهران: مکتبه چهل ستون العامة و مدرستها.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). الميسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تحرير الأحكام الشرعیة على مذهب الامامیه (ط - الحديثه). قم: مؤسسه امام صادق ع.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الايمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: منشورات دار الرضی.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه امام م رحمته الله

کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (بی تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - القديمه). بیروت: دار التراث.

کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت ع.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کلانتری ارسنجانی، علی اکبر (۱۴۱۶ق). الجزیه و أحكامها فی الفقه الإسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

گراوند، مجتبی و خالدی سردشتی، شهرام (۱۳۹۷). سیره امام علی ع در تقسیم بیت المال. سیره پژوهی / اهل بیت ع، ۴ (۷)، ۲۴-۷.

محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

مصباحی مقدم، غلامرضا و میسمی، حسین (۱۳۹۴). بیت المال در اقتصاد و مالیه اسلامی: دلالت های برای اصلاح نظام مالیات و یارانه در کشور. تهران: دانشگاه امام صادق ع.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). لمقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۹). شیوه های تقسیم بیت المال در صدر اسلام. معرفت / اقتصاد اسلامی، ۱ (۲)، ۱۳۷-۱۶۹.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

وزارت امور اقتصادی و دارایی. <https://www.mefa.ir/news/>

یعقوبی، ابن واضح (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.